

فهرست

۵	درسنامه معارف و احکام اسلامی
۲۰	سوالات آزمون های اخیر معارف و احکام اسلامی
۴۷	درسنامه زبان و ادبیات فارسی
۶۷	سوالات آزمون های اخیر زبان و ادبیات فارسی
۱۰۵	درسنامه زبان انگلیسی
۱۵۴	سوالات آزمون های اخیر زبان انگلیسی
۱۷۳	درسنامه مهارت های هفتگانه
۱۷۵	بخش مفاهیم پایه ای
۲۰۶	سوالات آزمون های اخیر بخش مفاهیم پایه ای
۲۱۳	درسنامه بخش ورد
۲۲۷	سوالات آزمون های اخیر بخش ورد
۲۳۱	درسنامه بخش اکسل
۲۴۰	سوالات آزمون های اخیر بخش اکسل
۲۴۴	درسنامه بخش access
۲۵۲	سوالات آزمون های اخیر بخش access
۲۵۷	درسنامه بخش پاورپوینت
۲۷۱	سوالات آزمون های اخیر بخش پاورپوینت
۲۷۶	سوالات آزمون های اخیر بخش کار با اینترنت
۲۸۴	درسنامه هوش و استعداد تحصیلی
۳۰۳	سوالات آزمون های اخیر هوش و استعداد تحصیلی
۳۲۷	درسنامه اطلاعات عمومی و شناخت مسائل روز
۳۶۸	سوالات آزمون های اخیر اطلاعات عمومی
۳۹۷	نمونه سوالات اخیر استخدامی

درسنامه معارف و احکام اسلامی

خودشناسی

خودشناسی: مهمترین موضوع و اصل مهم برای انسان خودشناسی است که به وسیله این موضوع به بزرگترین سعادت و خوشبختی دست می‌یابد.

قرآن می‌فرماید:

انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است.

آیا انسان به یاد نمی‌آورد که ما او را آفریدیم و حال آنکه چیزی نبود، است.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خود بپردازید.

امیرالمومنین علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که به خودشناسی دست یابد به بزرگترین سعادت و کامیابی رسیده است.»

دلایل خودشناسی:

یک مقدمه کمال انسانی، نقطه آغاز همان شناخت سرمایه‌های وجودی است.

پیش درآمد جهان هستی، تعامل انسان با جهان خارج از خود.

(كَيْفَ يَعْرِفُ غَيْرَهُ مَنْ يَجْهَلُ نَفْسَهُ)

معنی بخش اول، کسی که خود را نمی‌شناسد چگونه غیر از خود را می‌تواند بشناسد.

(مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ كَانَ لَغَيْرِهِ أَعْرَفَ وَمَنْ جَهِلَ نَفْسَهُ كَانَ بَغَيْرِهِ أَجْهَلَ)

معنی بخش دوم، کسی که خود را بشناسد دیگری را بهتر می‌شناسد و کسی که به خود جاهل است به دیگران جاهل‌تر است.

مقدمه خداشناسی:

امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: (مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ عَرَفَ رَبَّهُ) هر کس خود را بشناسد پروردگارش را می‌شناسد.

حلال مشکلات انسان، بسیاری از مشکلات روحی و روانی و فکری و اخلاقی انسان ناشی از خودشناسی است.

خداوند بر مردم دو حجت دارد، آشکار و ظاهری و حجت باطنی. حجت آشکار رسولان و انبیا و امامانند اما حجت باطنی عقول مردمند.

ایمان و عمل

از دیدگاه اسلام میان ایمان و عمل ارتباط تنگاتنگی وجود دارد هرچند از لحاظ مفهوم متمایزند. در برخی روایات درباره ایمان و عمل آمده است که خداوند یکی را بدون دیگری نمی‌پذیرد. از روایات برمی‌آید که عمل نمود ظاهری ایمان است و اگر عمل نباشد آشکار می‌شود که ایمان در قلب ریشه ندوانیده است.

قرآن درباره عمل بدون ایمان می‌فرماید:

داستان اعمال کسانی که به پروردگارشان کفر ورزیدند داستان خاکستری است که در روز طوفان بادی سخت بوزد که هیچ از آن خاکسترها را نمی‌توانند کسب کنند. یعنی عمل بدون ایمان نزد خداوند مانند خاکستری است که در روز طوفانی هیچ اثری از آن باقی نمی‌ماند. چنین اعمالی نزد خداوند هیچ ارزشی ندارد. دیگر عمل کافران را مانند سراب می‌داند که واقعیتی ندارد. کسانی که کفر ورزیدند اعمالشان چون سرابی است که در میان هموار که تشنه آن را آب می‌پندارند.

ایمان و اختیار:

آدمی به روشنی می‌داند که در اعمال خود آزاد است و اختیار دارد. او نخست عمل را می‌سنجد و سپس به آن عمل دست می‌زند و بعد از عمل از آن خشنود یا پشیمان می‌شود. این فرایند بر اختیار آدمی دلالت می‌کند. قرآن نیز در آیات پرشماری آدمی را مختار و پاسخگوی اعمال خویش می‌داند. اصولاً تقبیح و تحسین افعال و استحقاق عقاب و پاداش را نشان از اختیار است.

آدمی از سر اختیار به خدا ایمان می‌آورد. یا کفر می‌ورزد. اگر ایمان بیاورد شایسته ستایش و اگر کافر گردد مستحق مذمت می‌شود.

ایمان مانند علم نیست که گاه بدون اختیار تصور و علمی در انسان پدید می‌آید.

از آنجا که ایمان امری اختیاری است دارای ارزش است و اگر آدمی به اجبار ایمان می‌آورد ایمان او ارزش نداشت. خداوند در آیات فراوانی اختیاری بودن ایمان را به صراحت بیان می‌نماید.

مثلاً می‌فرماید:

(وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ)

معنی آیه، بگو دین حق همان است که از جانب پروردگار شما آمد. از هر که می‌خواهد ایمان آورد. (و این حقیقت را بپذیرا شود) و هر کس که می‌خواهد کافر گردد.

متعلقات ایمان، اصول دین- ایمان به ملائکه- ایمان به قرآن کتب الهی پیشین- ایمان به عالم غیب

مرگ فرد و جامعه:

قرآن برای جامعه همانند فرد مرگ قائل است و مرگ جامعه بر اساس ظلم و ستم و گناه و نافرمانی خدا بیش می‌آید. قرآن در این باره می‌فرماید: (وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ): برای هر امتی اجلی است که چون فرا رسد نه ساعتی آن را پس اندازد و نه پیش.

مرگ افتخار آمیز:

در میان مرگ‌ها گونه‌ای هست که شایسته است انسان به آن افتخار کند و آن مرگ در راه خدا برپایی قسط و عدل فراگیری علم و دانش کسب روزی حلال و کسب معارف الهی غیره است.

قرآن در این باره می‌فرماید: (وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يَقْتُلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ أَلَمْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ): کسانی را که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نخوانید بلکه آنها زنده‌اند ولی شما درک نمی‌کنید.

معنای میزان، میزان به معنای ابزار سنجش در روز قیامت گفته می‌شود.
امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه، (وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ) میزان همانا پیامبران و اوصیای آنان است.

شاهدان روز قیامت:

- شاهدان درونی مانند اعضای بدن.

- شاهدان بیرون از وجود انسان.

خدا:

قرآن در این باره می‌فرماید: (قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَمْ يَكْفُرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى مَا تَعْمَلُونَ): بگو ای اهل کتاب چرا به آیات خدا سر می‌ورزید با آنکه خدا بر آنچه می‌کنید گواه است؟

پیامبران الهی:

قرآن در این باره می‌فرماید: (وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ) [به یاد آور] روزی را که بر هر امتی گواهی از خود آنان برمی‌انگیزیم و تو را گواه بر آنان می‌کنیم.

پیامبر اسلام:

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: (وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا): ما شما را امت برگزیده قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما شاهد و گواه باشد.

چهار پاره

قالبی است که مقارن رواج شعر نو به وجود آمد. این قالب مرکب از بندهای دوبیتی است که با هم افتراق قافیه و اتحاد معنی دارند. ملک الشعرای بهار و نادر نادرپور در این قالب شعر سروده‌اند.

*
 *
 #
 #
 &
 &

شعر آزاد و سپید

شکل نیمایی

که بدان شعر آزاد گویند. شعری است با وزن عروضی، ولی مصراع‌های آن مثل شعر سنتی محدود به دو و سه و چهار رکن نیست و می‌تواند کمتر از دو رکن و بیشتر از چهار رکن داشته باشد. قافیه در این طرز، جای منظم و مشخصی ندارد. مانند اشعار نیمای، اخوان، فروغ فرخزاد، سهراب سپهری.

شکل شاملویی

که بدان شعر سپید می‌گویند. وزن و آهنگ دارد، ولی سرخی نیست. قافیه در این نوع شعر هم جای ثابتی ندارد. اشعار احمد شاملو از این نوع است.

شعر موج نو

نه تنها وزن عروضی ندارد، بلکه آهنگ و موسیقی آن حتی مانند شعر سپید هم آشکار نیست. در حقیقت منطق غیرنثری آن و تشبیهات و استعارات نوین آن پس از مجموعه‌ای از زبان شعری، بدان آهنگی معنوی می‌بخشد که در نثر دیده نمی‌شود نظیر اشعار احمد رضا احمدی.

انواع ادبی

اصطلاحی است در نقد ادبی برای تعیین و تقسیم‌بندی اقسام آثار ادبی بر حسب فرم یا شکل، تکنیک (ویژگی‌های فنی) و موضوع به کار می‌رود. تقسیم‌بندی ادبیات به انواع، از دوران یونان باستان معمول بوده است. انواع اصلی آن‌ها برای شعر عبارتند از: شعر حماسی، غنایی، کمدی، هجو و ترازدی. امروزه علاوه بر تقسیم‌بندی‌هایی که از دوران باستان برای شعر در نظر گرفته شده بود، نثر نیز به انواع گوناگون رمان، داستان کوتاه، مقاله، بیوگرافی (شرح حال) و مانند آن تقسیم شده است.